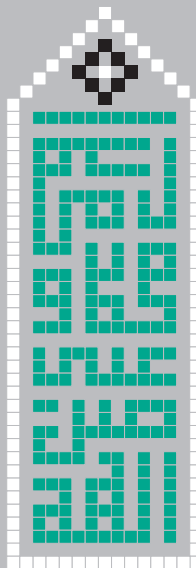


اسماء الوحيين

سرشناسه: قائمی، فرزاد، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور: نظریه ادبیات شیعی: درآمدی بر اصالت حماسه در
فرهنگ تشیع/فرزاد قائمی؛ دبیرخانه هنر حماسی؛ با همکاری پژوهشکده
فرهنگ و هنر اسلامی؛ ویراستار سیما مرشار.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: یازده، ۴۲۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۴۹۸۹-۹
یادداشت: کتابنامه.
عنوان دیگر: درآمدی بر اصالت حماسه در فرهنگ تشیع.
موضوع: ادبیات حماسی ایرانی -- تاریخ و نقد
Epic literature, Iranian -- History and criticism
ادبیات شیعه -- ایران -- تاریخ و نقد
Shiite literature -- Iran -- History and criticism
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری خراسان رضوی. دبیرخانه هنر حماسی
شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. حوزه هنری. پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
رده بندی کنگره: PIR۳۵۹۵
رده بندی دیویی: ۸۱۰/۳۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۸۸۹۸۶



نظریه ادبیات شیعی
درآمدی بر
اصالت حماسه در فرهنگ تشیع

دکتر فرزاد قائمی
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد





انتشارات سوره مهر
وایسته به حوزه هنری
www.sooremehr.ir

تهران، خیابان حافظ،
خیابان رشت، شماره ۲۳،
صندوق پستی: ۱۷۸۱۱-۱۵۹۱۸
سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹
تلفن: ۶۱۹۴۲
فکس: ۶۶۴۶۹۵۱
تلفن مرکز پخش: (۵ خط)
۶۶۴۶۰۹۹۳

نشانی پژوهشکده:
تهران، خیابان سمیه،
حوزه هنری،
پژوهشکده
فرهنگ و هنر اسلامی
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۲
شماره تماس: ۸۸۸۹۶۹۳۳
۰۹۱۰۸۱۰۲۴۲۸



با اسکن
رمزنده از
دیگر آسان
پژوهشکده
آگاه
شوید

کتاب هادر زمین ریشه دارند

طبق تقاضای نامۀ انتشارات سوره مهر و سازمان منابع طبیعی
بخشی از عواید فروش این کتاب به کاشت درخت اختصاص دارد.



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.
این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

فروشگاه اصفهان:

میدان انقلاب، سینما ساحل، کد پستی ۸۱۳۲۶۱۴۵۱۱
تلفن: ۰۶-۳۱-۲۲۴۷۷۲۵

دبیرخانه هنر حماسی
با همکاری پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

نظریه ادبیات شیعی
درآمدی بر اصالت حماسه در فرهنگ تشیع
نویسنده: فرزاد قائمی
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد
ویراستار: سیما سرشار
طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی
صفحه آرا: احمد الهی

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه
چاپ اول: ۱۴۰۱
شمارگان: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۴۹۸۹-۹

فروشگاه مرکزی:

تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ،
جنب حوزه هنری، شماره ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲

فروشگاه انقلاب:

تهران، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن، شماره ۱۰۲۳
تلفن: ۶۶۴۶۷۶۵۸-۹

فهرست مطالب



۸	دیباچه دبیرخانه هنر حماسی
۹	پیش‌گفتار
۱۲	مقدمه
۱۶	پیشینه تحقیق
۲۱	روش تحقیق

فصل نخست؛



دلایل فرهنگی تاریخی غلبه رویکرد حماسی آیینی در هویت شیعی

۲۵	بررسی زمینه‌های اجتماعی سیاسی شکل‌گرفتن ادبیات شیعی با رویکرد حماسی
۲۶	بسترهای تاریخی و اجتماعی ادبیات تشیع در عصر پیشامغول
۳۳	تأثیر نادیده‌قلمدادشده آل بویه در گسترش زبان فارسی و شعر حماسی
۴۴	تطور ادبیات آیینی شیعی، از ادبیات حکمی تا مقتل‌نگاری (مقتل خوانی ادبی)
۴۵	- قصاید (مداحی و مرثی) شیعی
۶۵	زمینه‌های اجتماعی و سیاسی رشد منقبت‌خوانی و منقبت‌سرایی در عصر گسترش تشیع
۷۸	- ادبیات مناقبی؛ سوپه اول: مناقب خوانی آیینی
۹۲	- ادبیات مناقبی؛ سوپه دوم: مناقب‌سرایی ادبی
۱۱۳	جنگ‌نامه‌سرایی (مغازی‌سرایی): مقتل‌نگاری در قالب مثنوی حماسی
۱۱۶	بررسی زمینه‌های فرهنگی شکل‌گرفتن ادبیات شیعی با رویکرد حماسی
۱۲۱	سوگواری آیینی عاشورا
۱۲۴	جشن غدیر خم
۱۲۷	سنت زیارت
۱۲۹	گسترش آیین‌های اجتماعی شیعیان در عصر مغول
۱۳۳	توسعه جنبه نمایشی آیینی تظاهرات اجتماعی محرم در عصر صفوی
۱۴۰	روضة خوانی، شبیه‌خوانی و تعزیه‌خوانی: مظاهر ادبیات آیینی صفوی در محرم
۱۴۶	مقتل‌نامه و تظاهرات آیینی صفوی در غدیر و رمضان
۱۵۷	جمع‌خوانی و محافل آیینی حمله‌خوانی



۱۶۳	فصل دوم؛ دلایل و زمینه‌های رشد و اشکال تطور ادبیات حماسی تشیع در عصر استیلای مغولان
۱۶۵	تأثیر تحولات سیاسی و اجتماعی و خیزش‌های عصر مغول در رشد حماسه‌گرایی شیعی
۱۸۴	تحلیل روند تکوین جغرافیای فرهنگی تشیع بر مبنای ادبیات شیعی
۱۸۵	بسترهای تاریخی و اجتماعی رشد ادبیات تشیع در عصر پسامغول
۲۰۶	نقش تصوف و توسعه زبان فارسی در رشد ادبیات تشیع در عصر تیموری
۲۱۷	تطور تغزل صوفیانه به قصه‌گویی حماسی در قالب قصاید روایی (ولایت‌نامه سرایی)
۲۳۰	خاوران‌نامه: اوج ولایت‌نامه سرایی و مقدمه خلق منظومه‌های حماسی بزرگ



۲۴۱	فصل سوم؛ روند تطور سنت‌های حماسه شیعی پساصفوی و نمودهای آن در گونه غالب حمله سرایی
۲۴۳	رشد و توسعه تدریجی تشیع از عصر تیموری تا صفوی
۲۵۱	افول روایات شفاهی و رشد منابع تاریخی رجالی در حماسه سرایی پساصفوی
۲۵۳	حمله حیدری باذل مشهدی: اوج ادبیات حماسی با رویکرد تاریخی رجالی
۲۶۱	متن‌شناسی نسخ خطی حمله حیدری باذل: مظهر اوج گستردگی حماسه شیعی
۲۶۲	رویکرد نقد متنی و طبیعت باژگون نسخ حمله در نسبت با زمان
۲۸۳	پایان باز حمله و آغاز یکی از بزرگ‌ترین گونه‌های ادبیات آیینی جهان: حمله سرایی
۳۱۰	جریان حمله و سیر انواع آن از عصر صفوی تا دوره معاصر
۳۱۲	تبیین انواع حقیقی ژانر حماسه شیعی
۳۱۵	زیرگونه‌های حمله
۳۱۵	- زیرگونه تکمله‌های حمله
۳۱۸	تبیین جایگاه گونه حمله در طبقه‌بندی ژانر حماسه شیعی



۳۲۵ فصل چهارم؛

حماسه ملی دینی و تأثیر شیعه‌گرایی در تطور قهرمان ملی ایرانیان (رستم)

- ۳۲۷ تبیین حدود بحث درباره منظومه حماسی ملی دینی و شخصیت رستم
- ۳۳۰ چرا فردوسی رستم را در مقام قهرمان شاهنامه‌اش انتخاب و برجسته کرد؟
- ۳۳۲ تغییر فرجام شخصیت نامطلوب گفتمان زرتشتی ساسانی (رستم) توسط فردوسی
- ۳۳۴ کین‌خواهی بهمن از رستم ضرور: پایان غالب در منابع زرتشتی
- ۳۳۶ رستم و اسفندیار: کلید اصلی تبیین انگیزه فردوسی از انتخاب رستم
- ۳۴۲ تاج‌بخشی و تاج‌گریزی رستم: طرح اصلی شخصیت‌پردازی فردوسی
- ۳۵۰ خاوران‌نامه و دلایل ذکر روایت قتل رستم به دست بهمن
- ۳۵۴ انگیزه اصلی: تشبیه تفضیلی حضرت علی (ع) به رستم تاج‌بخش
- ۳۵۹ چگونه رستم در شاهنامه اسدی به پهلوانی شیعی تبدیل شده است؟
- ۳۶۰ تحلیل منابع اسنادی زمان، مکان و اشخاص حماسه در تاریخ شفاهی
- ۳۶۵ بررسی سطوح ایدئولوژیک حماسه ملی دینی
- ۳۶۶ - پیوند تصوف و تشیع در عرفان‌گرایی اسدی (بررسی موردی: ساقی‌نامه‌سرایی)
- ۳۷۱ - تفسیر اشراقی از ریشه‌های خسروانی حماسه ملی دینی
- ۳۷۹ - نقش نور محمدی در پیوند بن‌مایه‌های ملی و مذهبی
- ۳۸۲ - نقش کیخسرو در پیوند حکمت خسروانی و شیعی
- ۳۸۹ بازسازی شخصیت رستم در مقام غازی، در حماسه ملی دینی
- ۳۸۹ سطح نظری
- ۳۹۰ سطح عملی
- ۳۹۳ - تطور شخصیت رستم در مقام پهلوان عابد متصل به الهام غیبی
- ۳۹۴ - تطور شخصیت رستم به عنوان یک عارف شیعی
- ۳۹۷ - فرهنگ عامه و تصویرسازی ارتباط چاه شغاد با چاه جمکران



۴۰۴ نتیجه‌گیری

۴۱۳ چکیده اثر

۴۱۶ منابع تحقیق

دیباچه دبیرخانه هنر حماسی

گاهِ نعمت و فزونی برکت، مستوجب حمد و ثنای الهی فزون از عادت است که فنون بلاغت را به عالی‌ترین صورت آفرینش کند و رشک ستایشگران سخن را پدید آورد؛ اما افسوس که نعم الهی بر ما اتم و اکمل و هر آن فزون‌تر است و زبان تسبیح ما به فرض ربودن گوی بلاغت در برابر بارش نعم، قاصر و اصم است؛ با این حال خدای عزوجل را هر آن و به هر دیده‌گشودن، به سجده شکر و اذکار تسبیح شاکریم که با نسیم رحمت خویش، دبیرخانه هنر حماسی را آن‌سان نوازش فرمود تا چنین اثر بدیعی در این دبیرخانه، به خامه تحریر، نگاشته آید.

دبیرخانه هنر حماسی به‌عنوان یک دبیرخانه ملی ذیل حوزه هنری از سال ۱۳۹۸ رسماً آغاز به کار و فعالیت نموده است، آغاز فعالیت این دبیرخانه هم‌زمان با همه‌گیری کرونا هرچند سبب رخوت در عزم دبیرخانه نگردید، اما اجتماع و تلاش جمعی برای پیشبرد امور را با کندی مواجه ساخت، اما پس از فروکش این همه‌گیری، بار دگر پر پرواز را در سودای خیال در نظر آورده‌ایم.

به اعتقاد و کیش ما راهبرد بنیادین و اساسی در تعالی‌گفتمان و هنر انقلاب اسلامی، به کاربست مفهوم حماسه و تلاش برای تجلی هنری آن است، براین اساس یکی از مهم‌ترین لوازم شناخت کنش حماسی، فهم ضرورت تاریخی و علمی آن قلمداد می‌شود. دبیرخانه هنر حماسی در همین راستا با تشکیل شورای پژوهشی وزین درصدد است تا این نیاز علمی را در مقام مسؤولیت پاسخگو باشد.

این نگاره بوستان علم‌آرا که در پیشگاه دیدگان شماسست، تلاشی دانش‌محور برای درک این ضرورت بنیادین است که توسط عضو محترم شورای پژوهش دبیرخانه هنر حماسی، جناب آقای دکتر فرزاد قائمی، استاد برجسته زبان و ادب فارسی و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد به نگارش درآمده است، امید است این اثر در راستای تعالی و شکوفایی گفتمان علمی و هنری کشور و ترسیخ گفتمان «هنر حماسی» در نظام اندیشه‌ای انقلاب اسلامی، سودمند و تأثیرگذار واقع گردد.



پیش‌گفتار



ادبیات حماسی فارسی بر پایه نقش محوری شاهنامه فردوسی شکل گرفته است. شاهنامه در نظام فکری و هنری و اجتماعی جغرافیای فرهنگی ایرانیان در طول هزار سال گذشته، با وجود همه تنوع‌های موجود، نقش پایه متین و استواری برای تحکیم «هویت» این سرزمین ایفا کرده است. این اهمیت در حالی است که حماسه‌سرایی نه با فردوسی آغاز شده و نه با او و اثرش، در زبان فارسی و دیگر زبان‌ها و گویش‌های این جغرافیای فرهنگی وسیع که از آسیای صغیر تا هند امتداد داشته، پایان پذیرفته است. این اثر ظرفیت‌هایی شگفت، هم در سبک هنری و زیباشناختی و اصول بلاغت و فصاحت کلام و هم در سطح محتوایی و فکری و فرهنگی داشته است. بررسی رکن اول (زیباشناختی) مقوله‌ای دیگر است؛ اما رکن دوم (محتوایی) مرهون ظریفی در این اثر است که نه الزاماً نمودش در خامه حکیم طوس، بلکه امتدادش در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی، به شکل گرفتن منشور پیچیده‌ای از تقارن و تقاطع سطوح مختلف فکری و آیینی انجامیده است که از مجموع برآیندش می‌توان آنچه را «هویت» می‌نامیم، استخراج کرد، لمس کرد، بوید، چشید و به عبارتی دیگر، از ریشه «شناخت».

شناختن اهمیت رویکرد حماسی در تاریخ و فرهنگ ایران و ایرانیان، از اعصار دور تا امروز و کیفیت و کمیت گسترده‌اش، هم در سطح ادب و هنر و هم در زندگی اجتماعی، بی‌ارتباط به تاریخ پرفرازونشیب این دیار نیست. ضرورت یکی شدن در برابر دشمن متجاوز که این سرزمین انواع گوناگون آن را از اسکندر تا مغول و پس از اینان، استعمار مدرن تجربه کرده و ایجاد شور و اعتماد به نفس عمومی برای انگیزش و برخاستن در برابر دشمن، خود پشوانه دیگری برای گرایش مضاعف این مردمان به حماسه بوده است. ضمن آنکه حماسه همیشه در اصل، طبیعت مردمی داشته و نیروی محرکه مقاومت‌های اجتماعی را در برابر بیگانگان تأمین می‌کرده است.

این جستار کوشیده است یکی از منابع اصلی فرهنگ حماسی در ایران، یعنی تشیع را به عنوان مسئله تحقیق تتبع کند و نه در قالب سیر تاریخی محض، بلکه با هدف نزدیک شدن به چهارچوب نظری تحلیلی زمان نگارانه، نسبت تشیع را با سیر حماسه در ایران، از یک سو و نسبت آثار ادبی نماینده تشیع را با متن معیار حماسه کلاسیک فارسی (شاهنامه فردوسی) از دیگر سوی، مبنای جست‌وجوی خود قرار دهد. پژوهش حاضر، تبیین کامل نظریه‌ای ادبی برای ادبیات تشیع نیست؛ اما طرح درآمدی نظری برای چنین منظوری است. تشیع، در مقام یکی از منابع فرهنگ ایرانی در طول هزاره گذشته، در ساختاری از ادبیات و هنر، نسبت روشنی با رویکردهای حماسی، نه فقط در ادبیات، بلکه در کلیت فرهنگ و روحیات مردمان این سرزمین داشته است. پژوهش حاضر، حداقل می‌کوشد این ارتباط را تبیین کرده و نیاز پژوهش‌های آتی این حوزه را از حیث نظری تأمین کند.

جستار حاضر نشان می‌دهد اولاً حماسه را نباید به یک نوع ادبی محدود کرد و باید مؤلفه‌های فرهنگی آن را در قالب رویکردی جمعی بررسی کرد و ثانیاً برخلاف رویکردی که غربیان در دو سده گذشته به ادبیات حماسی

فارسی داشته‌اند، سهم منابع فرهنگی متأخر، از جمله تشیع، در شکل‌گرفتن رویکرد حماسی در ایران، بیش از تداوم گرایش‌های باستانی بوده است. بدین ترتیب، این تحقیق مقدمه‌ای است برای پژوهش‌هایی وسیع‌تر در آینده که محتاج تقویت داده‌های موجود درباره ادبیات آیینی تشیع در نسبت با رویکرد حماسی است. به‌ویژه عدم‌شناخت این آثار و نبود تنقیح و تصحیح مناسب از متون، به دشواری این تحقیق دامن زده است.

در پایان از حمایت‌های مدیر محترم حوزه هنری خراسان رضوی، جناب آقای عسگری و کارشناسان دبیرخانه هنر حماسی آن حوزه، آقایان ایوبی و نقره‌ای که در تدوین این کتاب با من هم‌فکری کردند، همچنین از پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی که اسباب انتشار اثر را فراهم کرد، کمال سپاسگزاری را دارم.

با سپاس از صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوریان کشور (INSF)؛ که این پژوهش، تحت حمایت مالی آن صندوق، از طرح «بررسی نوع ادبی حمله‌سرایی و تحلیل روند تکوین جغرافیای فرهنگی تشیع در این متون»، با شماره ۹۵۸۳۶۵۰۶ انجام گرفته است.

البته طرح پژوهشی مذکور متمرکز بر حوزه حمله‌سرایی بود و تکمیل و بسط آن در دبیرخانه هنر حماسی حوزه هنری خراسان به خلق کتاب حاضر انجامیده است. امید است تحقیق حاضر، درآمدی باشد برای پژوهش‌های جدی‌تر و گسترده‌تر در گنجینه کمترشناخته‌شده ادبیات آیینی و حماسی تشیع.

دکتر فرزاد قائمی

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار ۱۴۰۱



مقدمه



ادبیات ایران چه در دوران باستان و چه در تمدن اسلامی لبریز از نگاه حماسی است و این حماسه‌ها عمدتاً در پیوند تنگاتنگ با روح عرفانی و مضامین اعتقادی عامه مردم بوده است. در گنجینه گهربار، اما ناشناخته ادب فارسی، حماسه‌های منظوم دینی که به دلاوری‌های مولای متقیان، علی علیه السلام پرداخته‌اند، فراوان است که بسیاری از آن‌ها سال‌های سال در مجالس مذهبی و نقالی‌ها و پرده‌خوانی‌ها و در خانه‌ها و پای کرسی‌ها خوانده و شنیده شده است.

در دوران پهلوی اول که کار احیای متون کلاسیک رونق گرفت، به دلیل نقش شاهنامه در هژمونی باستان‌گرایانه دستگاه حاکم و حساسیت سیاسی به رابطه حماسه و مذهب، متون حماسی شیعی به حاشیه رفت و کاملاً به آن‌ها بی‌مهری شد و حتی در عصر پهلوی دوم که بنیادهای ثروتمندی در قلمروی فرهنگ و ادبیات شکل گرفت و تحقیقات ارزنده‌ای در حوزه متون مختلف انجام شد و آثار باارزشی در مجموعه‌هایی مثل «انتشارات بنیاد فرهنگ ایران» با کیفیت علمی مطلوب منتشر شد، کتاب‌های معروفی مثل رموز حمزه، حمله حیدری باذل و خاوران‌نامه که در دوران قاجار با امکانات اولیه چاپ سنگی و بعد چاپ‌های خصوصی چاپخانه‌های بازاری مکرراً منتشر و با استقبال جامعه همراه شده بود، نه تنها تصحیح نشد، بلکه با همان شکل ابتدایی نامنقح خود نیز دیگر تجدید چاپ نشد. در منابع ادبی عصر پهلوی، هرچاهم اشاره‌ای به چنین کتاب‌هایی

شده، به لبریزبودن از خرافات دینی متهمشان کرده‌اند و آن‌ها را از نظر ادبی بی‌ارزش دانسته‌اند؛ در حالی که این حماسه‌ها با توجه به اینکه برای مردم عوام سروده شده بودند، نه تنها از نظر ادبی بی‌ارزش نیستند، بلکه شوروحال و جذابیت خاصی دارند که هنوز آن‌ها را شنیدنی و خواندنی می‌سازد.

این متون حماسی به دلایل مختلف دارای اهمیت و ارزش تاریخی و دینی و ملی هستند. نخست، رشد این نوع ادبی، خود، نشان‌دهندهٔ محبوبیت و آمیختگی ولایت‌اهلیت با زندگی اجتماعی و هویت تاریخی مردمان این سرزمین بوده است؛ دوم، یکی از دلایل گرایش فوق‌العادهٔ ایرانیان به حضرت علی (ع)، الگوپذیری فرهنگ پهلوانی ایرانیان از شخصیت ایشان بوده و نسبت حماسه و تشیع در این زمینه متغیری معنادار است؛ سوم، این آثار به هر دلیل بخش فراموش شده‌ای از تاریخ ادبیات کشور هستند؛ چهارم، از آنجا که این آثار محتوی بخش اصیلی از فرهنگ و باورهای عامیانه‌اند که در سده‌های اخیر رشد فراوانی داشته‌اند، در شناخت هویت و فرهنگ امروز جامعهٔ ایرانی، از لحاظ جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی، از ظرفیت چشمگیری برخوردارند؛ و پنجم این نوع ادبی از بعد نمایشی و قصه‌گویی، منبعی مهم از تاریخ نقالی و پرده‌خوانی و قصه‌گویی ایران به شمار می‌آید و بررسی آن در شناخت پیشینهٔ هنر نمایشی آیینی نیز بسیار مهم است. با این‌همه، از حدود سی اثر ادبی از شاخص‌ترین آثار حماسی دربارهٔ امیرالمؤمنین، تنها پنج عنوان در ایران، آن‌هم در گذشتهٔ دور، چاپ سنگی شده است که این آثار نیز امروز کاملاً نایاب است و برخی از آثار نیز صرفاً در حد منتخب آثار در سال‌های اخیر منتشر شده است که غالباً از حیث کیفیت تنقیح کم‌ارزش است.

بعد از انقلاب، به‌رغم توجه ویژه به تشیع و رشد انتشار منابع فقهی شیعه، ادبیات تشیع حتی از گذشتهٔ مهجورتر ماند و آثاری که پیش از انقلاب چاپ سنگی یا سری‌ابتدایی شده بود، در این دوره نیز حتی تجدید چاپ نشد؛

نکته‌ای که تا حد زیادی دور از انتظار و عجیب و محل تأمل است. منبع این غفلت، ناآگاهی و نبود انگیزه برای جست‌وجوی منابع فرهنگی تشیع و گاه نگاه‌های بدبینانه به ادبیات توده‌ای است؛ مسئله‌ای که ریشه‌های کهنی در فقه تشیع دارد و در جای خود بدان خواهیم پرداخت.

متأسفانه امروز فرهنگ عمیق و عمومی مرتبط با هنر و ادبیات عامیانه شیعیان، در استیلای رسانه‌های جدید و در دوران مرگ قصه‌گویی و نقالی کاملاً رو به فراموشی است و با سیطره نگاه مادی‌گرایانه پوزیتیویستی، حتی لایه‌های سنت‌گرای اجتماع و نهادهای مرتبط با تحقیقات دینی، از ریشه‌های عمیق حماسه‌گرایی و دلایل رشد آن در فرهنگ و معارف اهل بیت بی‌خبر مانده‌اند. برخی منابع نیز اطلاعاتی سطحی و گاه غلط درباره این متون داده‌اند؛ اما به علت نبود منابع بهتر، همچنان محل رجوع‌اند.

این تحقیق در حوزه محتوای منابع و تحلیل روند رشد ادبیات شیعی کوشیده است بر پرسش‌های ذیل متمرکز شود:

۱. در تحلیل سیر ادبیات شیعی و شناخت گونه‌های این آثار، ساختار یک اثر و بافت تاریخی و جغرافیایی آن چه نسبتی با انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک شاعران و ممدوحان و مخاطبان آن‌ها داشته است؟

۲. از حیث نقد منابع، چقدر از روایات متون حماسی شیعی، از فرهنگ شفاهی و افسانه‌های مناقیبان و چه میزان از آن‌ها از منابع تاریخی فرهنگ تشیع اخذ شده است؟

۳. از لحاظ منابع فکری، اهمیت رویکرد حماسی در فرهنگ ایرانی، تا چه حد تحت تأثیر تشیع بوده است و به عبارت دیگر، ریشه‌های غیرباستانی حماسه‌گرایی در ایران، در این سطح، چگونه تبیین شدنی است؟

۴. چه نسبتی میان تحولات تاریخی تشیع و تطور انواع ادبیات حماسی شیعی وجود دارد؟

پیش‌نظریه‌های (فرضیه‌های پژوهشی) این پژوهش (پاسخ‌های احتمالی به پرسش‌ها بر مبنای پیش‌آگاهی و دانش پیشینه) نیز بر موارد ذیل مبتنی است: ۱. در عصر صفوی، سنت تاریخ‌گرایی و رجوع به منابع تاریخی و فقهی و آثار محدثان شیعی نسبت به حماسه‌های علوی متقدم، رشد درخور توجهی یافته است؛ در حالی که این گرایش‌ها در متون پیشین ناچیز است (این تفاوت تنها محصول سیر تاریخی نیست؛ چون در بین انواع هم‌زمان نیز این میزان از رشد نامتقارن قابل مشاهده است). ۲. در سیر آثار از صفویه تا قاجار، به موازات رشد میل به واقعیت و فاصله از فرهنگ شفاهی، سنت تاریخ‌گرایی و تبعیت از منابع مستند برای خلق حماسه نیز رو به افزایش بوده است.

۳. منابع مقاومت تشیع در مقابل نیروی سرکوب قدرت مستقر خلفا، تا سده هشتم، از عوامل رشد روحیه حماسی در فرهنگ ایرانی بوده است و این گرایش هم‌راستا با زمینه‌های باستانی حماسه‌گرایی در ایران قرار گرفته، در قیاس با آن، تأثیرگذاری آن در حال تزايد بوده است.

۴. به موازات قدرت‌گرفتن تشیع در ایران و رشد مفهوم حاکمیت سیاسی، نوع ادبی حماسه آیینی از زمینه فرهنگ شفاهی به سوی منابع تاریخی و فرهنگ رسمی حرکت کرده است. البته این تغییر الزاماً به افزایش کیفی متون نینجامیده است؛ چون قصه‌گویی نسبت به تاریخ، ظرفیت بیشتری برای خلق متون حماسی موفق ایجاد کرده است و بهترین آثار موجود، همچنان تحت تأثیر هم‌گرایی دو منبع فرهنگ شفاهی و فرهنگ رسمی قرار داشته‌اند.

این تحقیق می‌کوشد ضمن نورافکندن به افق مطالعات در حوزه ادبیات و فرهنگ تشیع در طول هزار سال تطور گونه‌های ادبی در نسبت با تغییرات ایدئولوژیک، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، در نهایت ضمن تحلیل پیش‌متن‌های حمله‌سرای به‌عنوان گونه غالب این ژانر، به متن‌شناسی این گونه مهم حماسه شیعی بر مبنای منابع منسوخ آن نیز پردازد.

پیشینه تحقیق

این تحقیق می‌کوشد ثابت کند زمینه‌های رویکرد حماسی در ادبیات فارسی و فرهنگی ایرانی، چه پایگاهی در فرهنگ و ادب آیینی تشیع دارد و زمینه‌های این رویکرد را بر پایه منابع محکم تحلیل کند.

با وجود کمبود پژوهش‌های هم‌سو، تحقیقات ارزشمندی با چشم‌اندازهای تاریخی اجتماعی در شناخت منابع فکری تشیع نگاشته شده است که این منابع از سرچشمه‌های جستار حاضر بوده است. به همین دلیل، در پیشینه تحقیق، ابتدا باید به آثاری اشاره کرد که اگرچه رویکرد ادبی ندارند، به دلیل منظر تحلیلی خود درباره تاریخ تشیع، در زمینه‌های تحلیل تطور ادبیات تشیع بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. آثار و نظریه‌های رسول جعفریان به ویژه در شناخت تسنن دوازده‌امامی و تحلیل نسخ خطی ادبیات تشیع، چون جنگ‌ها، و سهم این آثار در تاریخ اجتماعی شیعیان، بسیار در این پژوهش راهگشا بوده است (آثاری چون تاریخ ایران اسلامی، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست و برخی مقاله‌ها و رساله‌های تاریخی). مقاله‌های ارزشمند «آل بویه و نقش آنان در برپایی مراسم و مواسم شیعه امامیه در عراق» از حسین پوراحمدی و «مناقب خوانی در دوره آل بویه» (۱۳۸۷) از حسین ایزدی و مهدی زیرکی نیز از منابع مهم این تحقیق بوده‌اند و داده‌های جدیدی را درباره تحلیل سهم دوره کمترشناخته‌شده بویگان در تطور ساختار آیینی جوامع شیعی، از منابع بنیادین تاریخ این دوره استقصا و طرح و تحلیل کرده‌اند. علی امینی‌زاده و محمدعلی رنجبر نیز در مقاله «تسنن دوازده‌امامی خراسان (در سده‌های هشتم و نهم هجری)؛ زمینه‌ها و علل» (۱۳۹۶) با نظریه جعفریان تأثیر رویکرد تسنن شیعه‌گرا را در خراسان بررسی کرده‌اند.

همچنین با توجه به بررسی اهمیت آیین‌ها در تحلیل تطور ادبیات تشیع، بخش مهمی از پیشینه این تحقیق، پژوهش‌هایی است که نسبت بین آیین‌ها و فرهنگ

عامیانه شیعیان در طول تاریخ را با برخی منابع فکری این تفکر بررسی کرده‌اند. از جمله آن‌ها، تعزیه و تعزیه خوانی (۱۳۸۰) از علی بلوکباشی و عنایت‌الله شهیدی است که بدین آیین و شواهد فرهنگی آن در طول تاریخ با منظر اجتماعی نگاه دقیقی داشته است و «چگونگی تغییر مذهب مردم گیلان از تشیع زیدی به تشیع دوازده‌امامی در عصر صفوی» (۱۳۸۸) از عباس پناهی که به مسائل اجتماعی تشیع در ساختار آیینی جامعه گیلان پرداخته است.

در ادامه پیشینه باید به آثاری اشاره کرد که رویکرد ادبی دارند و به ادبیات حماسی تشیع پرداخته‌اند. در تاریخ ادبیات حماسی فارسی ابتدا باید از حماسه‌سرایی در ایران از ذبیح‌الله صفا یاد کرد. صفا از اولین کسانی است که درباره آثار حماسی شیعی سخن گفته است و در معرفی انواع حماسه‌ها و ذیل عنوان حماسه‌های دینی، در اثر یادشده و همچنین در مجموعه مهم تاریخ ادبیات در ایران، چنین اظهار داشته است که همه این سنخ منظومه‌ها، حتی مهم‌ترین آن‌ها که به تصریح صفا جمله حیدری باذل بوده است، ارزش‌های بزرگ ادبی ندارند و در شمار مثنوی‌های متوسط و قهرمانی هستند (صفا، ۱۳۵۲: ۵/۵۸۴). بنابراین صفا از اولین ناقدان زبان و بیان در حماسه‌های دینی است؛ اگرچه نگاه وی بسیار سطحی و کلی است. او در حماسه‌سرایی در ایران، در بخش حماسه‌های دینی چند منظومه حماسی تشیع را معرفی سطحی کرده؛ لیکن گاه اطلاعات ناقص و غلطی به دست داده است. علت این است که صفا برخی متون را صرفاً در مخازن بعضاً بسته کتابخانه‌های جهان دیده بوده و حتی درباره برخی متون با واسطه فهرست‌ها و تذکره‌ها به اطلاعات باواسطه دست یافته بود. این اثر در زمان خود غنیمتی بزرگ بود؛ ولی امروز دیگر قابلیت اعتماد ندارد. با وجود این کمبود، به علت فقدان منابع روزآمد علمی، هنوز این اثر مرجع مهمی برای پژوهشگران قلمداد می‌شود. دیگر کتاب‌های تاریخ ادبیات فارسی نیز، چه از مورخان غربی و چه ایرانی، در حوزه ادبیات تشیع، به‌ویژه بعد از قرن

نهم، یا فاقد اطلاعات اند یا اطلاعات غیرقابل اعتماد به ما می دهند. به هر حال نبود منابع مطمئن باعث شده مخاطب هنوز از این تحقیقات بی نیاز نشده باشد. از این جمله باید به تاریخ ادبیات استوری و هرمان اته اشاره کرد که از حیث اطلاعات تذکره‌ای، هنوز مفیدند.

در زمینه منابع تاریخی ادبیات، یکی از اولین کسانی که متون حماسی شیعی را مستقیم و بدون وسائط متعدد بر پایه نسخه خطی معرفی کرد، احمد گلچین معانی بود که در «حماسه‌های دینی» (۱۳۴۶) و فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی: حماسه‌سرایی دینی (۱۳۴۶) نخستین دیدگاه‌ها را در این زمینه طرح کرد. مجموع اطلاعات فهرست‌های مختلف از کسانی چون منزوی، نوشاهی، افشار که امروزه در دو منبع مهم مجتمع، با نام‌های اختصاری «دنا» و «فنخا» گرد آمده است، از منابع این تحقیق بوده و جست‌وجوی نسخه متون ادبی تشیع بدون این منابع عملاً ناممکن بوده است.

درباره پیشینه تصحیح متون حماسی تشیع، به ویژه متون حمله، از برخی حمله‌ها، چاپ‌های غیرانتقادی اعم از سنگی یا چاپ‌های اولیه سربی موجود است؛ اما متأسفانه تنها حمله راجی تا امروز تصحیح انتقادی شده است:

ملابمانعلی راجی کرمانی، حمله حیدری، به کوشش یحیی طالبیان و محمود مدبری، ج ۱، کرمان: ۱۳۸۰ و ج ۲، کرمان: ۱۳۸۳. پس از آن، این مجموعه تصحیحی در چاپی سه جلدی مجدداً تکمیل و منتشر شد (۱۳۹۶: باهنر کرمان). متأسفانه در این تصحیح، از نسخه اندکی استفاده شده و از حیث تحقیقی نیز کار انجامی در قیاس با اهمیت اثر و کمیت و تنوع نسخه آن، تنگ و کم‌توان بوده است و تأثیرات منفی محدودیت زمان نیز در آن دیده می‌شود. به هر حال فعلاً وجودش مغتنم است.

از حمله باذل مشهدی نیز اولین چاپ غیرانتقادی (رونویسی از یک نسخه) را برادران علمی، بدون تاریخ منتشر کرده و بعدها بارها ناشران مختلف منتشرش

کرده‌اند که آخرین آن‌ها در سال ۱۳۸۳ بود (محمد رفیع باذل مشهدی، حملهٔ حیدری، اسلام، چ ۸، تهران: ۱۳۸۳).

البته بسیاری از منابع ادبی تشیع، چون حملهٔ حیدری و خاوران‌نامه و دیگر متون، در قالب پایان‌نامه و رساله‌های تحصیلی بارها تصحیح شده‌اند؛ لیکن اهمیت این متون و دشواری کار تصحیح علمی این منابع، قابلیت اعتماد دانش تصحیح را به این کارهای دانشجویی می‌کاهد و جای تصحیحات استادانه‌ای چون تصحیح شاهنامهٔ جلال خالقی مطلق دربارهٔ متون مهم ادبیات تشیع به شدت خالی است.

گزیده‌هایی نیز از این متون منتشر شده است که چیزی نیست جز منتخب‌هایی از ابیات که بعضاً خلاصه‌ای از داستان به نثر نیز همراه آن شده است؛ از جمله نوبت‌زن کوی ساقی (منتخب راجی کرمانی) از رضا اشرف‌زاده (۱۳۷۷)، حیدرنامه (گزیدهٔ حماسه‌های علوی از عهد صفویه تا عصر حاضر) از سیدعلی کاشفی خوانساری (نشر موعود، ۱۳۸۱) و گزیدهٔ حملهٔ حیدری [راجی]: بزرگ‌ترین حماسهٔ مذهبی از حسین بهزادی اندوه‌گردی (۱۳۷۰). مقاله‌های متنوعی نیز دربارهٔ حمله‌ها منتشر شده است که خوشبختانه به علت منظر انتقادی نشریه‌های علمی، در قیاس با صنعت نشر کتاب، در مجموع وضعیت بسیار بهتری از کیفیت آثار این حوزه دارد.

از جملهٔ آن مقالات تحقیق حسن ذوالفقاری در مقالهٔ «حمله‌نامه؛ گونه‌ای از حماسه‌های دینی پس از شاهنامه» است که در مجموعه مقاله‌های همایش شاهنامه‌پس از شاهنامه در ۱۳۹۵ مشهد (به نشر) منتشر شده است و یکی از بهترین مقاله‌ها در بررسی سیر تاریخی متون زیرگونهٔ نوع ادبی حمله است. این مقاله سیر و گزارشی از روند حمله‌سرایی ارائه داده است که در عین رویکرد توصیفی، کامل‌ترین گزارش موجود از این متون است که تا به حال نگاشته شده و در این جستار نیز از منابع مهم تحقیق بوده است. سیدعلی کاشفی خوانساری

نیز در مقاله «حمله حیدری» (تأملی درباره داستان‌های منظوم درباره مولای متقیان و معرفی یک شاعر) که در مجله کتاب ماه هنر، شماره ۳۱، فروردین ۱۳۸۰ چاپ شده است و در چند کتاب کوچک حمله سرایی و حمله خوانی (انتشارات حوا، تهران: ۱۳۸۶)، شاهنامه شاه خورشیدچهر: سنت حمله سرایی در ادب پارسی (نشر گویا، تهران: ۱۳۹۹) و حیدرنامه (موعود، تهران: ۱۳۸۱)، به معرفی سرایندگان اشعار آیینی به ویژه متون حمله و مرور روند سرایش اشعار علوی پرداخته و به نقل منتخبی از ابیات این متون نیز دست یازیده است.

حسین بهزادی اندوهجودی در مقاله «حمله حیدری یا بزرگ‌ترین حماسه مذهبی فارسی» (نامه آستان قدس، س ۸، ش ۴، ۱۳۴۶) باذل و اثر او را معرفی کرده و حمله حیدری را به لحاظ سبکی پیرو شاهنامه فردوسی دانسته است. محبوبه شمشیرگرها در مقاله «بررسی سبک‌شناسانه حماسه‌های دینی در ادب پارسی» (فصلنامه اندیشه‌های ادبی، س ۲، ش ۴، تابستان ۱۳۸۹) برخی نکته‌های سبکی مشترک بین حماسه‌های مذهبی فارسی را بررسی کرده است. وحید رویانی و منیژه فرضی شوب نیز در مقاله «بررسی تأثیرات شاهنامه بر حمله حیدری باذل مشهدی» (جستارهای ادبی، ش ۱۸۹، تابستان ۱۳۹۴) عناصر بلاغی مشترک میان شاهنامه و حمله را توصیف و تحلیل کرده و دو متن را با هم سنجیده‌اند. ناظرزاده کرمانی نیز در مقاله «حمله خوانی؛ گونه مهمی از نقالی مذهبی در ایران» (هنر، ش ۳۹، بهار ۱۳۷۸، ص ۶۵ تا ۷۴) به آیین حمله خوانی و نسبتش با این متن حماسی پرداخته است. به طور کلی، همه این مقاله‌ها و پژوهش‌های ادبی که تنها به برخی نمونه‌های آن‌ها اشاره شد، رویکرد توصیفی و محتوایی داشته‌اند یا حداکثر به مقایسه صوری شاهنامه و برخی متون حماسی شیعی، چون خاوران‌نامه و حمله حیدری و برخی متون دیگر ادبیات شیعی پرداخته‌اند یا گزارشی از این منابع ارائه کرده‌اند. نگاه به این متون نیز صرفاً کلیشه‌ای بوده است؛ نگاهی که این جستار می‌کوشد از منظر تحلیلی و نظریه پردازی، نقطه عطفی در روند آن ایجاد کند.

روش تحقیق

در این جستار با تکیه بر رویکردهای متن‌شناختی و مطالعات تاریخی و زمان‌نگاری تحلیلی به بررسی سیر ادبیات شیعی در ایران با تمرکز بر نقش رویکرد حماسی پرداخته شده است. همچنین در منظر متن‌شناختی، با توجه به تنوع انواع ادبی این حوزه، کوشیده شده است زمینه متنی حمله‌سرایان به‌عنوان شاخص‌ترین گونه ادبیات حماسی بررسی شود و تنوع گونه‌شناختی حمله بر مبنای توصیف پیکره متنی آن تحلیل شود. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای، رویکرد گردآوری اطلاعات استقصایی و نظام‌تعلیل داده‌های متون در مسیر شکل‌دادن به تحلیل‌ها استقرایی بوده است. در اولین مرحله تحقیق، به جمع‌آوری منابع تحقیق درباره ادبیات شیعی، شناسایی آن‌ها و سپس تهیه نسخه متون مختلف اقدام شد. پس از تکمیل منابع تحقیق، به خوانش منابع و جمع‌آوری و استقصای شواهد متنی، بر مبنای پرسش‌های اصلی و فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد و در مرحله بعد، این شواهد متنی با منابع تاریخ و فقه تشیع و منابع فرهنگ عامه مقایسه گشت و در آخرین مرحله، مطالعاتی درباره نسخه متون نیز صورت گرفت.

سویژه مواجهه با متون توصیفی، روش تحلیل‌ها کیفی و رویکرد آن‌ها محتوایی و متمرکز بر نقد منابع و نقد تاریخی و جامعه‌شناختی ادبیات بوده است. با توجه به نبود تصحیح انتقادی از غالب متون محل بحث در این تحقیق، برای بررسی این متون، از بهترین نسخه هر متن استفاده شده و بخشی از ظرفیت تحقیق نیز به متن‌شناسی نسخه هر متن و دلایل وجود واریانت‌های یک متن (نسخه‌بدل‌های موجود از آن متن واحد) اختصاص یافته است؛ چراکه پراکنش نسخ و تنوع کیفیت ضبط‌ها نیز در هر موضع معنی‌دار است. بخش زیادی از مواد تحقیق نیز از منابع تاریخی، دیوان‌های شعرای شیعی یا متمایل به تشیع، سفرنامه‌های سیاحان فرنگی به‌ویژه در عصر صفوی و منابع فرهنگ عامیانه استخراج شده

است. نقطه قوت این تحقیق، در بخش مطالعات درون‌متنی است که بر منابع منسوخ متکی است و برای تحلیل متون، در قیاس با مطالعات برون‌متنی، از روش متن‌شناسی و نقد متنی استفاده شده است.

روش انجام تحلیل‌های ضمنی تحقیق، به‌ویژه درباره مواد فرهنگی و داده‌های آیینی متون، نیز از جنس تحلیل محتوا خواهد بود. در این تحقیق، کوشیده شده است روش‌های متن‌شناسی و نقد متنی در کنار تحلیل سیر تاریخی متون استفاده شود. در این روش، هر مسئله در دو مرحله «تجزیه و تحلیل زمینه سیاسی و اجتماعی متن» و «تشخیص نمدهای متنی» بررسی شده است؛ بدین صورت که تحلیل روند تکوین جغرافیای فرهنگی تشیع بر مبنای متون ادبیات شیعی در نسبت با بسترهای تاریخی و اجتماعی فرهنگ تشیع تحلیل شده است. با توجه به اینکه ورود مغول و پایان عصر قدرت خلفا نقطه عطف مهمی در تاریخ گسترش تشیع در جهان اسلام، به‌ویژه در ایران بوده است، مناظر تاریخی به دو قسمت عصر پیشامغول و عصر پسامغول تقسیم شده و در هر عصر، بسترهای تاریخی و اجتماعی ادبیات و فرهنگ تشیع به‌گونه‌ای که برون‌متن متون ادبی شیعه قلمداد شود، تحلیل شده و درون‌متن ادبی نیز با رویکرد متن‌شناسی تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی و نقد تاریخی بررسی می‌شود. بررسی پیش‌متن‌ها و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شکل‌گرفتن متون حماسی شیعی، در سه ساحت تحلیل زمینه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متون و سرانجام تحلیل نمدهای آیینی هر متن، منظر اصلی این تحقیق، یعنی تحلیل داده‌های جستار را تشکیل داده است.

این تحقیق برای نخستین بار می‌کوشد محتوای فکری و فلسفی و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی متن را بر مبنای مدارک و شواهد مرتبط با سنت‌های نسخ و تفسیر نتایج مقایسه آن‌ها و معیارهای درونی متن تحلیل کند.